یادداشت

ابزارهای صیانت از بازار سرمایه

علی اسلامی بیدگلی
کارشناس بازار سرمایه

این روزها اصلی‌ترین متغیری که به رشد قابل توجه بورس منجر شده، حجم بالای ورود نقدینگی بویژه از سوی تازه واردها به این بازار است. با توجه به اینکه عرضه در بازار سهام به اندازه ورود نقدینگی و تقاضا نیست، قیمت سهام در نقطه بالاتری قرار می‌گیرد.

به‌صورت طبیعی زمانی که سرمایه‌گذاران تصمیم به خرید یا فروش سهام می‌گیرند، در ابتدا باید به متغیرهای بنیادی توجه کنند، ولی متأسفانه میزان ورود سرمایه به بورس آنقدر زیاد است که توجه به این دسته از متغیرها مغفول مانده است. هم‌اکنون دو متغیر اصلی بر بازار سرمایه تأثیرگذار است. اول متغیرهای بنیادی مانند بهبود نرخ رشد اقتصادی، افزایش یا کاهش نرخ ارز، میزان قدرت خرید مردم و... که به بهبود سودآوری شرکت‌ها منجر می‌شود. متغیر دیگری که این روزها بیشترین تأثیر را در بازار سرمایه دارد، «تقاضا»ست. بالا بودن حجم نقدینگی در کشور و ورود آن به بازار سرمایه بشدت میزان تقاضا را در این بازار افزایش داده است. این در حالی است که بازار ظرفیت جذب این میزان از تقاضا را ندارد و به همین دلیل شاهد رشد قیمت‌ها هستیم. بنابراین در شرایط فعلی برای بررسی بازار سرمایه باید تنها به متغیر تقاضا توجه کرد. به این معنا که تا زمانی که ورود سرمایه از میزان عرضه بیشتر باشد، بازار به روند صعودی خود ادامه خواهد داد. برای اینکه بتوان به تقاضای بزرگی که در بازار سرمایه برای خرید سهم به وجود آمده است، پاسخ داد، دو ابزار در اختیار نهاد ناظر بازار وجود دارد. یکی آنکه عرضه‌های اولیه افزایش یابد و دیگری منابع ورودی به سمت افزایش سرمایه شرکت‌های بورسی هدایت شود.

برای افزایش عرضه سهم نیز دو متغیر وجود دارد. بسیاری از شرکت‌های بورسی مشروط به اینکه سهام شناور خود را به ۲۰ درصد برسانند در بورس پذیرش شده‌اند و این درحالی است که بسیاری از این شرکت‌ها این شرط را انجام نداده‌اند. به‌گونه‌ای که بسیاری از شرکت‌ها زیر ۱۰ درصد سهام شناور دارند که مثال روشن آن هلدینگ خلیج فارس است. بدین ترتیب یکی از متغیرها برای افزایش عرضه سهام دراین شرایط افزایش سهام شناور آزاد شرکت‌هاست. متغیر دیگری که دراین بخش تأثیر زیادی دارد، فروش سهام شرکت‌های وابسته به بانک‌ها (مستقیم و غیرمستقیم) در بورس است که هم‌اکنون در دستور بانک مرکزی قرار دارد. پیش از این بانک‌ها به این بهانه که تقاضا برای خرید این سهام در بازار وجود ندارد، آن را اجرا نمی‌کردند، ولی با شرایط فعلی این اقدام باعث افزایش عرضه در بازار می‌شود.

اقدام دیگری که در شرایط فعلی به کمک بازار سرمایه می‌آید، افزایش پایه شاخص است که این اقدام نیز از دو طریق قابل انجام است. یکی عرضه در قالب ابزارهای جدید است و دیگری افزایش سرمایه شرکت‌ها. طبیعی است که افزایش سرمایه به‌دلیل مراحل قانونی کار زمانبر است. درخصوص ورود ابزارهای جدید و افزایش عرضه نیز دولت برای واگذاری سهام باقی مانده خود در برخی از شرکت‌ها در قالب صندوق‌های قابل معامله (ETF) برنامه‌ریزی کرده است. البته این راهکار نیز حداقل به دو تا سه ماه زمان برای عملیاتی شدن کامل نیاز دارد.

دراین شرایط آزادسازی سهام عدالت نیز هم در طرف عرضه و هم تقاضا مؤثر خواهد بود. این آزادسازی از طریق ورود شرکت‌های سهام عدالت استانی به بازار می‌تواند به افزایش پایه شاخص کمک کند و از سوی دیگر به رشد سهام شناور منجر شود. بنابراین سهام عدالت می‌تواند باعث رشد عرضه و تقاضا به موازات هم شود. هم‌اکنون مهم‌ترین موضوع، پایداری بازار است. زمانی که از طریق هدایت نقدینگی به بورس و همچنین آزادسازی سهام عدالت که حدود ۵۰ میلیون نفر را راهی بازار سرمایه می‌کند، همه مردم را درگیر این بازار می‌کنیم، باید از آن حراست کرد که این کار با مهار رشدهای کاذب و هیجانی ممکن است.

دولت برای صیانت دراین بازار علاوه بر اقدامات بالا باید تقویت برخی از ابزارها را نیز در دستور کار خود قراردهد. درهمین راستا تقویت شبکه کارگزاری‌ها که هم‌اکنون در ارائه خدمات به مشتریان محدودیت دارند و همچنین شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری و بازارگردان اهمیت زیادی دارد.

درپایان باید گفت، همواره رشدهای هیجانی و بدون اصلاح بازار زنگ خطری برای فعالان بازار بخصوص کسانی که به تازگی وارد آن شده‌اند، محسوب می‌شود. برهمین اساس کسانی که به‌تازگی وارد بازار شده‌اند یا قصد ورود دارند باید به این نکته توجه کنند که از ورود مستقیم به بازار و خرید سهم خودداری کنند و تا جایی که ممکن است از طریق ابزارهای غیرمستقیم مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری ورود کنند. علاوه براین وارد کردن تمام سرمایه و اندوخته در بازار ریسک سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد، این درحالی است که برخی افراد با فروش خودرو یا حتی خانه خود قصد سرمایه‌گذاری در بازار دارند که به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود.

خبرخوان

آیین‌نامه اجرایی انتشار اوراق مالی اسلامی ابلاغ شد

معاون اول رئیس جمهوری، آیین‌نامه اجرایی انتشار اوراق مالی اسلامی در سال ۱۳۹۹ را برای اجرا به دستگاه‌های ذیربط ابلاغ کرد.

با تصویب آیین‌نامه اجرایی انتشار اوراق مالی اسلامی در سال ۹۹، در جلسه سوم اردیبهشت ۱۳۹۹، شرکت‌های دولتی می‌توانند تا سقف ۶۵ هزار میلیارد ریال اوراق مالی اسلامی ریالی برای اجرای طرح‌های دارای توجیه فنی، اقتصادی، مالی و زیست محیطی خود که به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد، با تضمین و بازپرداخت اصل و سود توسط خود، با رعایت قوانین و مقررات مربوط منتشر نمایند.

همچنین شهرداری‌های کشور و سازمان‌های وابسته به آنها با تأیید وزارت کشور می‌توانند تا سقف ۸۰ هزار میلیارد ریال اوراق مالی اسلامی ریالی با تضمین خود و با بازپرداخت اصل و سود آن توسط همان شهرداری‌ها منتشر کنند.

به‌منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز با اولویت میادین مشترک وزارت نفت و طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت نیرو، به وزارتخانه‌های مذکور اجازه داده می‌شود از طریق شرکت‌های تابعه ذیربط و با تصویب شورای اقتصاد، اوراق مالی اسلامی (ریالی یا ارزی) در سقف ۳۵ هزار میلیارد ریال منتشر کنند و بازپرداخت اصل و سود این اوراق را توسط شرکت‌های مذکور از محل افزایش تولید همان میادین (برای طرح‌های وزارت نفت) و عایدات طرح (برای طرح‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت نیرو) تضمین کنند.

دستورالعمل‌های موضوع این آیین‌نامه به‌طور مشترک توسط سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و دستگاه‌های اجرایی موظفند متناسب با آن اقدامات لازم را به عمل آورند./ **پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر هیأت دولت**

انتقال سهام عدالت به وراث متوقف شد

براساس تصمیم‌گیری جدید سازمان خصوصی‌سازی، انتقال سهام عدالت افراد متوفی به وراث متوقف شده است.

حسن علایی، عضو هیأت عامل سازمان خصوصی‌سازی درباره علت توقف انتقال سهام عدالت فرد متوفی به وراث گفت: از زمانی که بحث آزادسازی سهام عدالت مطرح شد لازم بود تا در یک مدت زمان معین تعداد مشمولان را به شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار اعلام کنیم و شرکت مذکور براساس تعداد اعلام شده باقی اقدامات را در دستور کار قرار دهد.

وی با بیان اینکه اگر مانع از انتقال سهام عدالت افراد متوفی نمی‌شدیم زمانی که وراث افراد متوفی به سامانه مراجعه می‌کردند تعداد افرادی که به شرکت سپرده‌گذاری اعلام کردیم تغییر می‌کرد، افزود: برای جلوگیری از مشکلات احتمالی این اقدام را به‌صورت موقت متوقف کردیم تا پروژه آزادسازی سهام عدالت به اتمام برسد و بعد از آن وراث می‌توانند ظرف یک یا دو ماه آینده اقدامات قانونی را با مراجعه به دفاتر پیشخوان انجام دهند و بعد از طریق شرکت سپرده‌گذاری انتقال سهام آنها انجام خواهد شد. علایی اظهار داشت: کسانی که در حال حاضر نمی‌توانند روش مدیریت خود را از طریق سامانه انتخاب کنند به‌صورت اتوماتیک روش غیرمستقیم برای آنها انتخاب می‌شود اما بعد از انجام اقدامات مربوط به آزادسازی، وراث متوفی می‌توانند به میزان سهم‌الارث خود سهام عدالت را به‌نام بزنند./ **ایرنا**

پروفسور محمد هاشم پسران در گفت‌وگوی اختصاصی با «ایران» ترسیم کرد

دنیای پسا کرونا چگونه خواهد بود

آیسان تنها
روزنامه‌نگار

جهان پس از کرونا به چه شکل خواهد بود؟ این سؤالی است که اندیشمندان شاخه‌های مختلف علوم، این روزها تلاش دارند به آن پاسخ دهند. ویروس همه‌گیری که با گذر چند ماه قاره‌ها را درنوردیده و تلفات جانی بسیاری هم از خود به جای گذاشته، حالا چشم‌انداز ثبات در همه شئون زندگی قریب به اتفاق مردم کشورهای جهان را مخدوش کرده است. قرنطینه خانگی، تعطیلی غیرمنتظره بسیاری از کسب‌وکارها و مراکز تفریحی و تفرجی، فاصله‌گذاری اجتماعی، ضرورت استفاده دائم از برخی اقلام بهداشتی، برگزاری کلاس‌های آموزشی به‌صورت غیرحضوری و آنلاین در کنار دورکاری در سطح گسترده و... همه و همه بخشی از تجربیات بکر و بی‌بدیل همزیستی مردم جهان با بیماری کرونا بوده که به بخشی از آن به‌عنوان الزامات مقابله با این بیماری ناگزیرتن داده‌اند. زندگی در این شرایط، هزینه‌های اقتصادی قابل توجهی هم به کشورها تحمیل کرده است. گزارش‌هایی که از وضعیت اقتصاد کشورها منتشر می‌شود همه از بروز یک بحران بزرگ اقتصادی حکایت دارد؛ بحرانی که صندوق بین‌المللی پول آن را بی‌سابقه‌تر از بحران ۱۹۳۰ می‌داند. این نهاد بین‌المللی همچنین پیش‌بینی کرده که در سال ۲۰۲۰ اقتصاد جهان سه درصد کوچکتر شود. بررسی جزئیات آنچه این روزها بر اقتصاد کشورها می‌رود نیز پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول را باورپذیرتر می‌کند. مثلاً اتاق بازرگانی و صنایع آلمان، اخیراً اعلام کرده که ارزیابی‌ها نشان می‌دهد از هر پنج شرکت آلمانی یکی در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است؛ از شرکت‌های کوچک گرفته تا شرکت‌های هواپیمایی و باشگاه‌های ورزشی و... از امریکا هم خبر می‌رسد که در مدت شیوع بیماری ۳۰ میلیون نفر بیکار شده‌اند و نرخ بیکاری در این کشور به بالای ۱۳ درصد رسیده است. همه این اخبار بیانگر آن است که در مسیر رشد و توسعه کشورها دست‌انداز بزرگی قرار گرفته که درباره میزان موفقیت در عبور از آن تردیدهایی وجود دارد. اینکه بعد عبور از این بحران، جهان چه شکلی خواهد بود؟ موضوع جذابی است برای بحث و مجادله در محافل علمی و اندیشه‌ای جهان درگیر کرونا. چه واکسن این بیماری زودتر کشف شود و جهانیان با صرف هزینه کمتری از کرونا عبور کنند یا اینکه درمان مؤثر در زمان مورد نیاز یافت نشود و لاجرم به ابتلای ۶۰ تا ۷۰ درصدی جمعیت کشورها به بیماری کرونا دچار شویم، این بیماری در نهایت رخت برخواهد بست. و حالا سؤال این است که تجربه زندگی با این بیماری چه درس‌هایی برای دولت‌ها و ملت‌ها به همراه خواهد داشت؟ آیا ملت‌ها به ذخیره دانایی خود برای نحوه مقابله با بحران‌های بزرگ مفتخر خواهند بود یا کرونا را به سان تلنگری برای تغییر ساختارهای سیاسی و اقتصادی خود ارزیابی خواهند کرد؟ کدام مدل توصیه شده نظام‌های سیاسی و اقتصادی برای مقابله بحران‌ها بیش‌تر به کار آمده؟ آیا اندیشمندان آن مدل را به سان نسخه‌ای برای کشورهای دیگر جهان توصیه خواهند کرد؟ این‌ها سؤالاتی است که البته پاسخ به آن حداقل در شرایط کنونی امکان پذیر نیست. موضوعی که پروفسور محمد هاشم پسران، اقتصاددان، پژوهشگر و استاد بازنشسته دانشگاه کمبریج و صاحب کرسی عالی اقتصاد جان الیوت در دانشگاه کالیفرنیای جنوبی بر آن تأکید کرده و در گفت‌وگو با روزنامه ایران، می‌گوید هنوز برای پیش‌بینی آنچه در پساکرونا بر جهان خواهد رفت زود است. او همچنین معتقد است برای قضاوت درباره کارنامه کنونی مدل‌های سیاسی و اقتصادی دنیا در مبارزه با کرونا و تبعات آن هم نباید شتافت چرا که تاکنون فقط مرحله اول بیماری را پشت سر گذاشته‌ایم. پروفسور پسران البته امیدوار است که برخی درس‌هایی از این بیماری مانند ضرورت گسترش بهداشت عمومی در کشورهای جهان پساکرونا برای کشورها ماندگار باشد. هر چند که او باور دارد میان پیش‌بینی و امید فاصله بسیار است. در ادامه مشروح این گفت‌وگو و آنچه این اقتصاددان درباره جهان درگیر کرونا و تغییرات احتمالی دنیای پساکرونا ترسیم کرده است را با هم می‌خوانیم:

■ برخی پیش‌بینی‌ها بر این است که جهان بعد کرونا از جهان قبل آن متفاوت است. به نظر شما بحران کرونا ظرفیت تغییر سیاستگذاری‌ها در سطح کلان کشورها از جمله سیاستگذاری‌های اقتصادی را دارد؟ چه تحلیلی دارید؟

در ابتدا باید به ابعاد گسترده و فراگیر بحران کرونا توجه کرد. ما تاکنون چنین بحرانی را تجربه نکرده بودیم، شرایط موجود از بسیاری از جهات با اوضاع در دوران شیوع آنفلوانزای اسپانیایی هم متفاوت است. بیماری همه‌گیری که در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ در سطح جهان گسترش یافته بود و تلفات بسیاری هم از خود به‌جای گذاشت. دلیل تفاوت شرایط کنونی با آن دوران در این است که در آن زمان کشورهای دنیا، به اندازه امروز با هم در ارتباط نبودند و ساختارهای اجتماعی و بین‌المللی بسیار محدود و در سطحی که اکنون با آن درگیر هستیم، در هم تنیده نبود. خلاصه آنکه بحران کرونا هم جهانی است و هم اساسی و از سوی دیگر شواهد هم حاکی از آن است که به این زودی از بین نخواهد رفت. همچنین باید به قدرت اشاعه کرونا هم توجه کرد. هر فرد مبتلا به کرونا می‌تواند دو الی سه نفر دیگر را هم درگیر کند. ممکن است سؤال کنید که این میزان قدرت اشاعه چه چیزی را نشان می‌دهد؟ پاسخ این است که اگر فعالانه برای مقابله با آن برنامه‌ریزی نکنیم، به‌عبارت دیگر محدودیتی بر روابط مردم برقرار نکنیم و اجازه دهیم مانند قبل شیوع کرونا زندگی و فعالیت کنند، مثلاً در مراسم عزاداری شرکت کرده و دسته جمعی به تماشای فوتبال بنشینند و... به احتمال زیاد حدود شصت الی هفتاد درصد جمعیت جهان به این بیماری مبتلا خواهند شد که این میزان تلفات پرشماری به‌دنبال خواهد داشت. دولت‌ها برای اینکه از شیوع گسترده آن جلوگیری کنند، ابزارهایی را به کار بستند که جدید بوده و ما پیش‌تر تجربه‌ای در آن نداشته‌ایم. مثلاً جدایی افراد از هم یا در خانه ماندن و....

در مرکز اشاعه کرونا؛ یعنی شهر ووهان چین با جمعیت یازده میلیون نفری کاملاً تحت قرنطینه قرار گرفت و از هرگونه رفت و آمدی در آن شهر جلوگیری شد. این در حالی است که تا قبل اشاعه کرونا تاکنون چنین تجربه‌ای نداشته‌ایم حتی در کشورهای کمونیستی. این تدابیر فعلاً مانع افزایش شیوع بیماری شده ولی باید در نظر داشت که بیماری هنوز کاملاً از بین نرفته است. در ایران هم مشاهده می‌کنیم که در اثر کوشش دولت و همکاری مردم، از شتاب افزایش بیماری تا حدی کاسته شد ولی در عین حال آمارها نشان می‌دهد که در روزهای اخیر و از زمانی که پس از تعطیلات نوروز بازگشت افراد جامعه به کار از سر گرفته شده، شیوع بیماری دوباره در حال گسترش است. مسأله مهم این است که پیش‌بینی محافل علمی بر این نیست که این بیماری در بازه کوتاه مدت مثلاً سه ماه آینده تمام شود. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که متأسفانه شاید با تلاش‌های دولت‌ها و ملت‌ها افزایش شیوع بیماری برای یک دوره تمام شود ولی بدون دسترسی به واکسن ضدکرونا تا ۶۰ درصد جمعیت را مبتلا نکند از بین نخواهد رفت.

■ از سخنانتان این طور برداشت می‌شود که افق حضور کرونا در کشورها دقیقاً روشن نیست و در نتیجه نمی‌توان پیش‌بینی شفافی از وضعیت بعد کرونا ارائه کرد. درست است؟

دقیقاً. اگر برای این بیماری واکسن کشف شود یا روش‌های مؤثر برای مداوا یافت شود ممکن است به شیوع بیماری میان شصت درصد جمعیت نرسیم و بیماری زودتر مهار شود. ولی مسأله این است که اولاً مشخص نیست لزوماً واکسن کرونا به این زودی‌ها کشف شود و در ثانی معلوم هم نیست که در صورت کشف این واکسن همه جمعیت جهان به آن دسترسی پیدا کنند. بنابراین باید همه برنامه‌های خود را بر این مبنا بچینیم که این بحران طی یک تا دو سال ادامه خواهد داشت.

■ دولت‌ها در این وضعیت چه راهکاری برای ادامه می‌شود این بیماری کشورها را درگیر کند، می‌توان مطمئن بود ساختارها پس از کرونا تغییر می‌کند. به نظر می‌رسد حضور دولت‌ها در همه عرصه‌های حیات اجتماعی و همچنین در اقتصاد در حال پررنگ‌تر شدن هستند. می‌توان چه افقی را برای نقش دولت در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم در شرایط پساکرونا پیش‌بینی کرد؟

درست است؛ ساختارها تغییر می‌کنند. اکنون برای مبارزه با این بیماری دولت‌ها به میدان آمده‌اند و این مبارزه هم در حال مشروعیت بخشیدن به حضور دولت‌ها در زندگی مردم است. همان‌طور که شما هم اشاره کردید دولت‌ها دارند نقش مهم‌تری پیدا می‌کنند. آنها باید نشان دهند که در حال اجرای انتظاراتی هستند که مردم از آنها دارند. در عین حال خیلی مهم است که دولت‌ها شفاف باشند و اعتماد مردم را جلب کنند. درست است که اکنون دخالت دولت‌ها در زندگی مردم مشروعیت پیدا کرده ولی دولت‌ها هم باید کارآمدی لازم را در ارائه خدمات مورد نیاز مردم داشته باشند. فقط در این صورت است که اعتماد افراد جامعه تقویت می‌شود. در غیر این صورت خطر از بین رفتن اعتماد مردم به‌وجود خواهد آمد و این خود اثر منفی بیماری بر اقتصاد و زندگی مردم را تشدید می‌کند. اکنون شیوع بیماری کرونا هم در طرف تقاضا و هم در طرف عرضه شوک منفی ایجاد کرده و توأمان عرضه و تقاضا را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. اکنون برخی مشاغل خدماتی کاملاً مشتریان خود را از دست داده‌اند. مثلاً در شرایط قرنطینه افراد دیگر به رستوران یا سفر نمی‌روند و این وضعیت در همه کشورها یکسان است. مردم باید اقداماتی که دولت انجام داده را تأیید کرده و آنها را مفید و لازم بدانند. در این صورت می‌توان به این نتیجه رسید که شاید استمرار حضور پررنگ‌تر دولت طرفداران بیشتری پیدا کند. اگر به‌خاطر داشته باشید در روزهای اول کرونا بسیاری از کشورها فکر می‌کردند که این بیماری

> من موافق فاصله‌گذاری شدید در ابتدای شیوع بیماری بودم. چرا که معتقدم با توجه به اینکه هنوز عموم مردم از ابعادی که بیماری می‌تواند خسارت به بار بیاورد آگاهی ندارند، ممکن است در مواردی سهل‌انگاری کرده و مراقبت‌های لازم را به عمل نیاورند. پس دولت‌ها موظفند در ابتدا شدیدتر عمل کنند

فعالیت‌های اقتصادی دارند. به نظر می‌رسد که از کار افتادن اقتصاد برای دو سال هم عملاً ناممکن بوده و هم در نوع خود هزینه‌های انسانی سنگینی داشته باشد.

به هر حال اقتصاد هم باید شروع به حرکت کند. شاید برای مهار بیماری بتوانیم جلوی فعالیت اقتصاد را برای مدت مثلاً دو تا سه ماهه بگیریم ولی بعد از آن مدت باید اقتصاد دوباره باز شود. نمی‌توان برای مدت دو سال شرایط اقتصاد کشورهای درگیر را در حالت وضعیت کنونی نگه داشت. اما چه می‌توان کرد؟ راهی وجود دارد که من اسم آن را فاصله‌گذاری اجتماعی هوشیارانه گذاشته‌ام. هوشیاری باید هم در سیاستگذاری‌های دولت باشد و هم مشارکت مردم. دراین مسیر نقش مردم هم بسیار مهم است و فقط دولت‌ها تعیین‌کننده نیستند. به نظر من اگر دولت‌ها دست به اقدامات خاصی هم نزنند ولی ابعاد این بیماری بیشتر برای مردم آشکار شود، مردم خودشان دست به فاصله‌گذاری خواهند زد. هر چه مردم بیشتر متوجه شوند که احتمال ابتلا به این بیماری با عوارض شدید بالاست به همان میزان در تصمیم‌گیری آنها برای حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی مؤثرتر است. همین حالا هم افرادی که نزدیکانشان این بیماری را گرفته‌اند بیشتر از سایرین مراعات می‌کنند و در نهایت این موضوع بیشتر از کنترل دولت‌ها در تصمیمات افراد به رعایت و فاصله‌گذاری مؤثر است.

به هر حال اگر شانس بیاوریم و واکسن زودتر کشف شود، معادلات تغییر خواهد کرد. می‌گویم شانس چون می‌دانیم که پروسه کشف ویروس زمان‌بر است. زمانی که لازم است واکسنی کشف شود، آزمایشات لازم روی آن انجام گیرد، نتایج آن تأیید شود و در سطح وسیع در اختیار مردم قرار بگیرد احتمالاً طولانی خواهد بود. پس حل مسائل مربوط به این بیماری به این راحتی نیست و خیلی نمی‌توان خوش‌بین بود که این بیماری زودتر تمام شود و بعد هم بلافاصله مردم به زندگی عادی خود برگردند و حالا ما بررسی کنیم که آیا دید آنها به جهان تغییر کرده است یا خیر؟ مسأله این است که تغییرات اساسی در کوتاه‌مدت عملی نیست بلکه این روندی است که به درازا می‌انجامد و در صورت کشف واکسن هم رفتار این ویروس در سال و سال‌های بعد قابل پیش‌بینی نیست.

■ پس با این تفاسیر و با توجه به مدت زمانی که پیش‌بینی می‌شود این بیماری کشورها را درگیر کند، می‌توان مطمئن بود ساختارها پس از کرونا تغییر می‌کند. به نظر می‌رسد حضور دولت‌ها در همه عرصه‌های حیات اجتماعی و همچنین در اقتصاد در حال پررنگ‌تر شدن هستند. می‌توان چه افقی را برای نقش دولت در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم در شرایط پساکرونا پیش‌بینی کرد؟

درست است؛ ساختارها تغییر می‌کنند. اکنون برای مبارزه با این بیماری دولت‌ها به میدان آمده‌اند و این مبارزه هم در حال مشروعیت بخشیدن به حضور دولت‌ها در زندگی مردم است. همان‌طور که شما هم اشاره کردید دولت‌ها دارند نقش مهم‌تری پیدا می‌کنند. آنها باید نشان دهند که در حال اجرای انتظاراتی هستند که مردم از آنها دارند. در عین حال خیلی مهم است که دولت‌ها شفاف باشند و اعتماد مردم را جلب کنند. درست است که اکنون دخالت دولت‌ها در زندگی مردم مشروعیت پیدا کرده ولی دولت‌ها هم باید کارآمدی لازم را در ارائه خدمات مورد نیاز مردم داشته باشند. فقط در این صورت است که اعتماد افراد جامعه تقویت می‌شود. در غیر این صورت خطر از بین رفتن اعتماد مردم به‌وجود خواهد آمد و این خود اثر منفی بیماری بر اقتصاد و زندگی مردم را تشدید می‌کند. اکنون شیوع بیماری کرونا هم در طرف تقاضا و هم در طرف عرضه شوک منفی ایجاد کرده و توأمان عرضه و تقاضا را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. اکنون برخی مشاغل خدماتی کاملاً مشتریان خود را از دست داده‌اند. مثلاً در شرایط قرنطینه افراد دیگر به رستوران یا سفر نمی‌روند و این وضعیت در همه کشورها یکسان است. مردم باید اقداماتی که دولت انجام داده را تأیید کرده و آنها را مفید و لازم بدانند. در این صورت می‌توان به این نتیجه رسید که شاید استمرار حضور پررنگ‌تر دولت طرفداران بیشتری پیدا کند. اگر به‌خاطر داشته باشید در روزهای اول کرونا بسیاری از کشورها فکر می‌کردند که این بیماری مثلاً صرفاً به مرزهای سیاسی چین یا ایران یا ایتالیا گسترش می‌یابد ولی به هر حال گذر زمان نشان داد که چنین نیست. البته عوارض بیماری برای آنها که مسن‌تر هستند یا بیماری زمینه‌ای دارند بیشتر است. با این حال در امریکا می‌بینیم که فقط مسن‌ها از بین نمی‌روند بلکه تلفات در میان افراد جوان هم بالاست. افراد جوانی که به میزان کافی از تجهیزات پزشکی بهره‌مند نیستند و به عبارتی دیگر از نظر اقتصادی در میان دهک‌های پایین درآمدی قرار داشته و قادر به تأمین منابع مورد نیاز خود برای مقابله با بیماری کرونا نیستند. بنابراین مسأله مقابله با کرونا جنبه اجتماعی هم پیدا کرده است که باید دید چه نتایجی به‌دنبال خواهد داشت. در مجموع به نظر من اصلاً روشن نیست که بعد از کرونا دنیا چه شکلی پیدا خواهد کرد. آنچه در چین برای مقابله با کرونا اتفاق افتاد نمونه خوبی برای سنجیدن وضعیت کل دنیا نیست. چرا که درست است که چین توانست با سیاست‌های بسیار شدید، بیماری را از بین ببرد ولی در همین کشور هم موفقیت فقط برای مهار بیماری در مرحله اول بوده است. همین حالا اگر نگاهی به وضعیت شانگهای بیندازید متوجه می‌شوید که در این کشور نیز دوباره بیماری در حال برگشتن است. بنابراین تأکید می‌کنم که اگر تا حدود ۶۰ درصد جمعیت جهان به این بیماری مبتلا نشوند خطر آن هنوز پابرجاست مگر اینکه واکسنی برای آن کشف شود.

■ به مسأله آمار تلفات بالا در میان فقرای امریکا اشاره کردید. برخی آمارها هم حاکی از آن است که در میان سیاهپوستان امریکا هم که در وضعیت اقتصادی و اجتماعی نابرابری نسبت به سفیدپوستان این کشور زندگی می‌کنند، شیوع این بیماری گسترده‌تر است. این بیماری ظاهر رفتار طبقاتی هم دارد، آیا نباید منتظر گسترش اعتراضات نسبت به نظم کنونی جهانی شد؟ نظمی که به هر حال از عده‌ای در برابر بیماری همه‌گیر محافظت می‌کند و عده‌ای دیگر را به کام مرگ می‌کشاند.

به احتمال زیاد این اتفاق می‌افتد که دولت‌ها لاجرم توجهی بیشتری به اقشار فرودست جامعه، فقرا و افرادی که دسترسی کمتری به بهداشت و درمان دارند مبذول بدارند. درمان دو بخش است؛ خصوصی و عمومی. اکنون و در شرایط شیوع بیماری همه‌گیر، دسترسی به بهداشت و درمان بسیار مهم شده است. اکنون مشاهده می‌کنیم که حتی در امریکا که گروه‌های بسیاری مخالف ارائه خدمات بهداشتی و پزشکی به‌صورت عمومی و از سوی حکومت بوده‌اند ولی اکنون انتظارات مداخله دولت برای تأمین نیاز آحاد جامعه برای دسترسی به پزشک، دارو و درمان افزایش یافته است. اگر بخواهیم مروری بر روند کوچک شدن دولت در ارائه بهداشت عمومی داشته باشیم متوجه می‌شویم که بعد از بحران سال ۲۰۰۸ برخی کشورهای اروپایی و امریکا به سمتی رفتند که هزینه‌های عمومی و اجتماعی را کم کنند. همان کشورها اکنون اثر شدیدتری از بحران کرونا را تحمل می‌کنند. به‌عنوان مثال به انگلستان توجه کنید. اکنون انگلستان توفیق کمتری در مهار این بیماری داشته است. تعداد مرگ و میر افراد نسبت به تعداد مبتلایان در این کشور به نسبت کشوری مثل آلمان بسیار بالاتر است. در امریکا نیز گرچه هزینه‌ای که برای درمان در کل کشور انجام می‌شود بسیار بالاست ولی درمان در این کشور خصوصی است. درصد هزینه‌ای که این کشور صرف درمان عمومی خود می‌کند نسبت به درمان خصوصی این کشور بسیار پایین است. در امریکا هر نفر ۱۰ هزار دلار هزینه درمان دارد ولی ۹۰ درصد آن خصوصی است و هزینه‌های خصوصی برای مقابله با بحران‌های عمومی کارکرد ندارد. پس حتماً باید تدبیری در این زمینه اندیشید و اکنون می‌بینیم که همه دولت‌ها برای مقابله با کرونا هزینه‌های درمان عمومی خود را افزایش داده‌اند.

■ آیا این وضعیت ادامه پیدا می‌کند؟

تصمیماتی که در دوران بحران گرفته می‌شود براحتی قابل برگشت نیست. سؤال این است که آیا میزانی از بودجه کشورها که در جریان شیوع بیماری کرونا به درمان عمومی تخصیص یافته آیا بعد بحران هم به قوت خود باقی خواهد ماند؟ ساختارها چقدر تغییر خواهد کرد؟ پاسخ این است که امیدواریم چنین شود ولی با توجه به تحربه تاریخی باید گفت که هیچ چیز دائمی نبوده و نمی‌توان مطمئن بود که بعدها چه پیش می‌آید؟ ما دائماً با بحران‌های تازه‌ای روبه‌رو هستیم که هریک ممکن است به هر ترتیبی شرایط را تغییر دهد.

■ در سخنانتان اشاره کردید که بعد از جنگ جهانی برخی ساختارها تغییر کرد. بعد از جنگ روابط بین‌المللی هم شکل جدیدی به خود گرفت و دیدیم که متناسب با شرایط دوران نهادهای بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی شکل گرفتند. آیا می‌توان انتظار داشت که با این بحران کشورها آبستن تشکیل سازمان‌ها و سازماندهی‌های جدیدی برای روابط مثلاً اقتصادی خود باشند؟

فکر می‌کنم که سازمان‌های بین‌المللی به وجود آمده برقرار بمانند ولی در ساختار آنها تغییر ایجاد شود. به‌عنوان مثال ما اکنون بانک جهانی داریم و نیازی نداریم که یک بانک جهانی جدیدی تأسیس کنیم. یا مثلاً سازمان جهانی بهداشت در حال حاضر موجود است و نیازی نیست که دوباره به فکر تأسیس یک سازمان جهانی بهداشت دیگری باشیم. هرچند که اخیراً دیدیم دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا، با اقداماتی به‌دنبال ضربه زدن به سازمان جهانی بهداشت بوده است. به این ترتیب که می‌خواهد با کم کردن هزینه‌های پرداختی به این سازمان آن را تحت فشار قرار دهد. البته نظر من این است که امریکا با این اقدامات به‌دنبال تغییر ساختارهای این سازمان است و به‌دنبال آن نیست که سازمان را از بین ببرد. هر چند به‌نظر من چنین اقداماتی هم در شرایط کنونی اشتباه است چون ما اکنون به آن نیاز بسیار داریم. در مجموع نیز به‌نظر من ما به سازمان‌های بین‌المللی موجود از جمله سازمان جهانی تجارت، سازمان جهانی بهداشت و... نیازمندیم و این سازمان‌ها در شرایط جدید نقش اساسی‌تری ایفا می‌کنند. اشتباهی که این روزها بسیاری به آن مرتکب می‌شوند این است که به‌دنبال کم‌رنگ‌تر کردن نقش این سازمان‌ها هستند.

■ با این حال اکنون کاهش روابط بین کشورها در بسیاری از کشورها به مطالبه بسیاری تبدیل شده. آنچه از آن به‌عنوان «ویروس چینی»، یاد می‌شود بسیاری را به این جمع‌بندی رسانده که اگر این روابط گسترده وجود نداشت شاید این ویروس در داخل مرزهای سیاسی خود باقی می‌ماند و به اندازه‌ای که اکنون می‌بینیم کشورها را درنوردیده، تلفات بسیاری از خود به جای نمی‌گذاشت. به نظر می‌رسد خواه